

آینه

اطلاعات

یادداشت: «تقسیم بر چند؟؛ ابوالقاسم قاسم‌زاده می‌گویند، دولت اختیار ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی را به بانکمر کزی داده است و رییس کل بانکمر کزی اطلاع داده که ۲۳هزارمیلیاردتومان از پولی که بانکهای کشور در چند سال اخیر تسهیلات داده‌اند (به چندسال اخیر توجه بفرمایید) در اختیار ۱۳ نفر قرار دارد که حاضر نیستند مطالبات بانکسی را برگردانند. امروز اغلب نوشته‌های روزنامه‌ها به لغو دعوت از ایران برای کنفرانس ژنو۲ درباره دلسوزی، مصاحره منافع ملی توسط طریفه وزیر خارجه و دولت روحانی با امضای توافقنامه هسته‌ای را نقد کرده بوداقصم این بود مطلبی در باب همین عناوین بنویسم، که همکار روزنامهنگارم گفت «ای بابا سواری را ول کن، قاچ زین را درباب» و خبر «۲۳هزارمیلیاردتومان مطالبات بانکی در اختیار ۱۳نفر» را جولیم گذاشت. دیدم که چندان با عدد و رقم آشنایی ندارم و در مدرسه نمره ریاضی‌ام چندان خوب نبوده، اما یاد دوستی افتادم که چند روز قبل رفته بود تا یک‌کیلو نان بخرد. قیمت گران را که دید به فروشنده گفت: «ببینم این قیمت را به چند دانه در درون این انار تقسیم کرده‌ای؟» فروشنده پاسخ داد که اگر قرار به تقسیم برچند باشد، گلابی که گرانتر از «انار» است فقط چهارعدد هسته دارد! راستی ۲۳هزارمیلیاردتومان چند تا صفر دارد و تقسیم بر چند است؟!

انتقاد

یادداشت: «ر کورد دولت‌های نهم و دهم در فساد اقتصادی»؛ محمد خوشچهره
عدولابیستگی به تولید ملی در دولت‌ها باعث شده وجود داشته باشد. به‌عنوان مثال ۱۰سال پیش رقم یک فساد اقتصادی نزدیک به چند ۸۰میلیاردتومان بود اما پا درآمدهای افسانه‌ای ۸۰۰میلیاردی دولت رقم فسادهای اقتصادی هم جهش پیدا کرد و به فساد اقتصادی سسمه‌زارمیلیارد توملی رسیدیم. هرچند که هنوز ارقام ناگفته دیگری هم از اینگونه فسادها وجود دارد اما ر کورندشکی در این مورد به دولت‌های نهم و دهم بازمی‌گردد.نظام جمهوری‌اسلامی سرمایه‌ی به نام مردم» دارد که باید از هر گونه فرصتی که موجبات بی‌اعتمادی مردم را فراهم می‌کند جلوگیری کند.

ایران

سرمقاله: «داووس و فرصت‌های پیش‌روی ایران»؛ علی خرم

از آنجا که سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به هشت‌سال گذشته تفاوت کرده و تعامل جایگزین مواضع تنش‌زا شده، این تفاوت‌ها باید به‌وضوح تشریح شود تا از امتیازات جهانی موجود بهره‌برداری شود. اجلاس داووس فرصت مناسبی است برای نشان‌دادن این تفاوت‌ها و تشریح دیدگاه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دولت جمهوری اسلامی ایران.

کیم‌تان

سرمقاله: «اشتباه نکند! ژنو۲ مهم است؛ محمد ایمانی

سوزن رسانه‌های مهم غرب این روزها روی یک عبارت متوقف شده و علی‌الدام آن را تکرار می‌کنند؛ اینکه «کنفرانس ژنو۲ هیچ دستاوردی به دنبال نخواهد داشت» این تحلیل به یک معنا کاملاً اشتباه است و باید گفت ژنو۲ اتفاق‌دستاوردهای مهمی را به همراه دارد. برای تمام ناظران سیاسی این تعبیر که «اند باید بود» کملاً آشناست. بارک اوباما این رجز را دوبار ادا کرد اما ریز سنگینی بار آن ماند. آمریکا در ژنو۲ د بازی کرد و بازی بزرگ خود را به هم ریخت. خطب استراتژیک آمریکا دولایه داشت. یک لایه مربوط به جریان مواج‌بگیر یا سادهدل و خوش گمان در ایران است که به بهانه «توافق هسته‌ای ژنو»، طبق مأموریت یا ابراس‌اسخ شورای مدعی شدند آمریکا از موضع دشمنی با ایران تبدیل به دوست استراتژیک شده است. دولت آمریکا در حالی که می‌خواست خشم و عقده ناشی از شکست سه‌ساله در نبرد سوریه را خالی کند، به آن جریان مامور از یکسوی به جیدمان تحلیلی جریان‌خوش‌یابور از طرف دیگر لگد سختی زد. اما لایسه دوم این خطب استراتژیک، آنجا آشکار می‌شود که به جای برجسته‌شدن مواضع آمریکا در ژنو۲ و متلا‌اطهارات جان کری، همچنان غیبت ایران سرتیتر اخبار و تحلیل‌ها در غرب است. این هم لگد محکمی است به گزاره کائونی و القایی آمریکا طی چندماه اخیر مبنی بر اینکه ایران از موضع ضعف، پای میز مذاکره و توافق هسته‌ای ژنو آمده است.

دست‌اندره

سرمقاله: «بان کی‌مون حیا کن»؛ محمد نادرپور
بان کی‌مون دعوتمله ایران برای شرکت در نشست ژنو۲ را پس گرفت. اگر کبیر کل سازمان ملل به این راحتی شخص وزیر خارجه و دستگاه سیاست خارجی ما را به خلاف‌گویی و قول کذب متهم می‌کند چرا پاسخی درخور از جانب ایران در یافت کند؟ چرا! این موضوع که مستقیماً با عزت جمهوری اسلامی رابطه دارد و موجبات ناراحتی ملت ایران را فراهم آورده ینطور سطح پایین و با بی‌اهمیتی حتی بدون صدور یک بیانیه رسمی، رتق‌وفتق می‌شود؟ همین رفتار مشکوک و موضع‌گیری سطح پایین وزارت امور خارجه است که مجال پروبال گرفتن تحلیل‌های مبتنی بر راستگویی سازمان ملل به عنوان نهادی رسمی را فراهم می‌کند. در آن صورت چه کسی تطابق رفتارهای دولت در حوزه سیاست خارجی با اصول اساسی «عزت، حکمت و مصلحت» را خواهد سنجید؟ جای مجلس شورای اسلامی در چنین مناقشات بین‌المللی بی‌بافتی‌ها حقیقتاً خالی است!

سیاست

موسوی لاری در گفت‌وگو با «شرق»:

عبور اصلاح‌طلبان از روحانی؛ رویای اصولگرایان است

اعظم ویسسه



عین‌حسین‌مهدی‌حسینی‌شرق

اخیرا نخستین نشست مشترک نمایندگان بیش از ۶۰ حزب و تشکل سیاسی با «عبدالرضا رحمانی‌فضلی»، وزیر کشور برگزار شد. از سوی دیگر وزارت کشور به تازگی لایحه پیش‌نویس اصلاح قانون احزاب را بر سایت وزارتخانه قرار داده تا احزاب با بررسی آن نظرات خود را اعمال کنند. برای بررسی این مسایل به سراغ «عبدالواحد موسوی‌لاری» وزیر کشور دولت اصلاحات رفتیم. او در این گفت‌وگو، دغدغه‌های خود از سرنوشت احزاب در صورت اصلاح قانون را مطرح کرد و گفت تجربه نشان داده این اصلاحیه‌ها در جهت بهبود شرایط نیست و احتمالا با نگاه بسته‌تر و محدودتر فعالیت احزاب را سخت‌تر خواهد کرد. او همچنین به تحلیل سخنان محمدرضا باهنر در خصوص عبور اصلاح‌طلبان از روحانی پرداخت و گفت که اصولگرایان بشدت نگران انتخابات آینده مجلس هستند که غافلگیر شوند.

من باورم این است که هنوز فرصت‌های استفاده‌نشده در همین قوانین فعلی احزاب داریم که اگر نگاه ما بهبود وضعیت احزاب باشد می‌توانیم از همین فضا استفاده کنیم و نیازی نیست که سراغ تغییر قانون رویم. تغییر قانون مشکل ما نیست، مشکل اجرانشدن قانون و راه‌های بسته‌ای است که در هشت‌سال گذشته بر همه بخش‌ها از جمله احزاب حاکم بوده است. بنابراین پیشنهاد من این است که دولت به‌جای پرداختن به تغییر قانون به تغییر رویه‌ها و نگاه‌های حاکم بر احزاب بپردازند و به احزاب فرصت حضور و فعالیت دهند که از فرصت قانونی خوداستفاده کنند و قطعا بخشی از مشکلات حل می‌شود.

❖ **به نشست اخیر وزیر کشور و احزاب، اعلام شده که بیش از ۲۲۷ حزب شناسنامه‌دار در کشور داریم که تنها حدود ۵۰ تشکل فعال هستند. برخی معتقدند این مشکلات به قانون احزاب برمی‌گردد که باید اصلاح شود.**
این چه مشکلی برای کشور ایجاد کرده است؟ فرض کنید از ۲۲۷ حزب ثبت‌شده ۲۰۰ حزب فعال نیستند. این چه مشکلی دارد؟ مشکل نان مردم را قرار است که کند؟ مشکل امنیت را حل کند؟ شما ممکن است به ۱۰۰ مدرسه غیرتلفاضی مجوز دهید که ۲۰ تا از آن فعال شود و ۸۰ مدرسه دیگر فعال نشود، آنجا ممکن است مدارس غیرفعال به حقوق بچه‌های مردم و تعلیم و تربیت ضربه بزنند اما اگر حزبی فعال نشود چه مشکلی ایجاد می‌کند؟ البته این موضوع یک نقیصه است ولی قوانین موجود می‌تواند به رفع آن کمک کند. می‌تواند نظارت قانونی بر احزاب از طریق دستگاهی که متولی این امر است، صورت بگیرد. باید نگاه‌ها معطوف به بهسازی احزاب باشد اگر دیدیم احزابی فعال نیستند باید بررسی کنیم دلیل آن چیست؟ آیا حرفی برای گفتن ندارند؟ چارچوبی برای تشکیلات آنها تعریف نشده است؟ یکی از کارکردهای خانه احزاب، شناسایی این مشکلات و تقویت تشکل‌ها برای رفع این مشکلات است. بنابراین مشکلی نیست که ما نتوانیم حل کنیم. من معتقدم اگر حزبی فعال نباشد خودش ضرر کرده است. دولت متضرر نمی‌شود. اما اگر فکر می‌کنند کار خلافی می‌کنند، بعد نظارت را تقویت کنند تا تخلف صورت نگیرد.

❖ **به نظر شما در دولت روحانی، جایگاه احزاب اصلاح‌طلب چه تعریفی دارد؟ با توجه به اینکه هنوز تکلیف دو حزب مشارکت و برای این نشست مشترک ک وزارت اسلامی مشخص نشده و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی مشخص نشده و دولت روحانی، جایگاه احزاب اصلاح‌طلب به نظر می‌رسد متفاوت است.**
دولت اگر واقعا مدافع فعالیت حزبی است باید از همه احزاب حمایت کند. زمانی که دولت برای فعالیت احزاب مجوز قانونی نداد به‌عنوان مدعی این تفکی وزارت کشور باید از طریق قانونی پیگیر خواسته‌ها و مطالبات آنها باشد. آقای وزیر کشور وقتی جلسه می‌گذار و ۵۰، ۶۰ حزب را دعوت می‌کند باید از همه دعوت می‌کرد. یکی از دغدغه‌های تمامی احزاب این است که مقامات سایر دستگاهها بدون توجه به طبیعت کار حزبی برای این احزاب مشکل درست کنند. در این شرایط چه کسی باید متولی حمایت از احزاب باشد؟ مطمئن دولت و وزارت کشور؛ هنوز برای تعطیلی احزاب (مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب) دادگاهی تشکیل نشده که آنها از خود دفاع کنند. این احزاب به‌عنوان یک تشکل حقوقی باید از خود دفاع کنند و قاضی رای دهد. محدودیت آن بیشتر شده است. احزاب از این دیدگاه با مشکل بیشتری مواجه می‌شوند. خود دولت هم نمی‌داند چقدر حاضر است از حقوق احزاب دفاع کند؛ توصیه من به وزارت کشور و دولت این است که اجازه دهند همین قانون فعلی باشد اما اهتمام داشته باشند که همین قانون فعلی را ارتقا دهند. قانون احزاب فعلی با مشخصاتی که دارد با همه ضعف‌هایش اگر اجرا شود، بخشی از مشکلات را حل می‌کند.

❖ **به نظر شما در دولت روحانی، جایگاه احزاب اصلاح‌طلب به نظر می‌رسد متفاوت است.**
بهنظر من تفاوت خلا و تفاوت‌های اساسی در دولت روحانی در دو بخش وجود دارد که به نظر من تفاوت‌های اساسی است. یکی از بخش‌ها این است که مقامات سایر دستگاهها بدون توجه به طبیعت کار حزبی برای این احزاب مشکل درست کنند. در این شرایط چه کسی باید متولی حمایت از احزاب باشد؟ مطمئن دولت و وزارت کشور؛ هنوز برای تعطیلی احزاب (مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب) دادگاهی تشکیل نشده که آنها از خود دفاع کنند. این احزاب به‌عنوان یک تشکل حقوقی باید از خود دفاع کنند و قاضی رای دهد. محدودیت آن بیشتر شده است. احزاب از این دیدگاه با مشکل بیشتری مواجه می‌شوند. خود دولت هم نمی‌داند چقدر حاضر است از حقوق احزاب دفاع کند؛ توصیه من به وزارت کشور و دولت این است که اجازه دهند همین قانون فعلی باشد اما اهتمام داشته باشند که همین قانون فعلی را ارتقا دهند. قانون احزاب فعلی با مشخصاتی که دارد با همه ضعف‌هایش اگر اجرا شود، بخشی از مشکلات را حل می‌کند.

❖ **بهنظر شما در دولت روحانی، جایگاه احزاب اصلاح‌طلب به نظر می‌رسد متفاوت است.**
بهنظر من تفاوت خلا و تفاوت‌های اساسی در دولت روحانی در دو بخش وجود دارد که به نظر من تفاوت‌های اساسی است. یکی از بخش‌ها این است که مقامات سایر دستگاهها بدون توجه به طبیعت کار حزبی برای این احزاب مشکل درست کنند. در این شرایط چه کسی باید متولی حمایت از احزاب باشد؟ مطمئن دولت و وزارت کشور؛ هنوز برای تعطیلی احزاب (مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب) دادگاهی تشکیل نشده که آنها از خود دفاع کنند. این احزاب به‌عنوان یک تشکل حقوقی باید از خود دفاع کنند و قاضی رای دهد. محدودیت آن بیشتر شده است. احزاب از این دیدگاه با مشکل بیشتری مواجه می‌شوند. خود دولت هم نمی‌داند چقدر حاضر است از حقوق احزاب دفاع کند؛ توصیه من به وزارت کشور و دولت این است که اجازه دهند همین قانون فعلی باشد اما اهتمام داشته باشند که همین قانون فعلی را ارتقا دهند. قانون احزاب فعلی با مشخصاتی که دارد با همه ضعف‌هایش اگر اجرا شود، بخشی از مشکلات را حل می‌کند.

❖ **بهنظر شما در دولت روحانی، جایگاه احزاب اصلاح‌طلب به نظر می‌رسد متفاوت است.**
بهنظر من تفاوت خلا و تفاوت‌های اساسی در دولت روحانی در دو بخش وجود دارد که به نظر من تفاوت‌های اساسی است. یکی از بخش‌ها این است که مقامات سایر دستگاهها بدون توجه به طبیعت کار حزبی برای این احزاب مشکل درست کنند. در این شرایط چه کسی باید متولی حمایت از احزاب باشد؟ مطمئن دولت و وزارت کشور؛ هنوز برای تعطیلی احزاب (مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب) دادگاهی تشکیل نشده که آنها از خود دفاع کنند. این احزاب به‌عنوان یک تشکل حقوقی باید از خود دفاع کنند و قاضی رای دهد. محدودیت آن بیشتر شده است. احزاب از این دیدگاه با مشکل بیشتری مواجه می‌شوند. خود دولت هم نمی‌داند چقدر حاضر است از حقوق احزاب دفاع کند؛ توصیه من به وزارت کشور و دولت این است که اجازه دهند همین قانون فعلی باشد اما اهتمام داشته باشند که همین قانون فعلی را ارتقا دهند. قانون احزاب فعلی با مشخصاتی که دارد با همه ضعف‌هایش اگر اجرا شود، بخشی از مشکلات را حل می‌کند.

برای ایجاد اختلاف بین آقای روحانی و دیگران ممکن است در برخی جاها به نتیجه برسد. در واقع این جریان مقابل آقای روحانی است و می‌خواهد عقبه آقای روحانی در انتخابات از او فاصله بگیرد تا آنها بتوانند به‌راحتی ضربه کاری را وارد کنند و دولت را نسبت به تحقق آرمان‌ها و اهدافش ناکام بگذارند.

❖ **آقای باهنر اخیرا گفته‌اند که اصلاح‌طلب‌ها در حال عبور از آقای روحانی هستند. این سخنان را چطور تفسیر می‌کنید؟**

بله، این نگاه آقای باهنر و دوستانش استراتژی و راهبرد اختلاف است که در قالب یک تحلیل و خبر مطرح کرده‌اند. اما آنچه گفته شده راهبری جریان اصولگرایی است. من بارها گفته‌ام که مشکل جریان اصولگرایی اثبات خودش است. جریان اصولگرایی نتوانسته با توده‌های مردم ارتباط برقرار کند. هر کجا که رقابتی بین اصولگرا و اصلاح‌طلبان به صورت قانونی برگزار شود، اصلاح‌طلبان برنده هستند. دلیل آن هم این است که اصلاح‌طلبان با متن جامعه بیشتر گره خورده‌اند و مردم شعارها و ایده‌های اصلاح‌طلبانه را ترجیح می‌دهند. آقای باهنر با این سخنان به نوعی فرار به جلو در پیش گرفته است. خود اینها در مجلس با احضار وزرا، کارتهای زرد پیاپی، سوالات متعدد، خط مقدم تهاج به دولت شده‌اند. آقای باهنر هم در ذیل این مجلس تعریف می‌شود. جناحی که آقای باهنر به آن وابسته است تنها روزنه امیدش این است که میان آقای روحانی و جریان حامی او اختلاف ایجاد شود. اینکه اصلاح‌طلبان در حال عبور از روحانی هستند، در واقع رویای جناح اصولگراست که آقای باهنر مطرح کرده است. اصلاح‌طلبان هیچ زمانی نگفته‌اند آقای روحانی صددرد اصلاح‌طلب است و هیچ زمانی نگفته‌اند ا آقای روحانی به شکلی برخورد می‌کنیم که هیچ‌کدام از خطاها و مشکلات دولت را تذکر نمی‌دهیم. ما حامی آقای روحانی و دولت ایشان هستیم، از همه شعارهای اصلاح‌طلبانه ایشان حمایت می‌کنیم، مادامی که آقای روحانی به این شعارها پایبند باشد و در جهت تحقق آنها حرکت کند. حمایت اصلاح‌طلبان محکم پشتسر آقای روحانی است. این شایعات منفی هم اثر تخریبی نمی‌گذارد.

❖ **به نظر می‌رسد در مجلس جو تندی علیه دولت به‌راه افتاده است. اهمیت ترکیب مجلس آینده برای هم‌راهی دولت را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

همانطور که قبلم گفته‌ام دولت‌ها در اثبات خود ناکام هستند. همیشه از افراز نفی رقیب استفاده کرده‌اند. الان هم این ابزارها را در اختیار دارند. نباید اینقدر نگران انتخابات باشد اما چرا این‌همه گرانی از خود نشان می‌دهند؟ چرا ملتبه هستند و این‌همه دغدغه دارند؟ دلیل آن غافلگیرشدن آنها در انتخابات ریاست‌جمهوری است. در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ آنها تصور نمی‌کردند که اصلاح‌طلبان و جریان‌ات همفکر آنها بتوانند در جامعه نقش ایفا کنند، زمانی که به آقای هاشمی ردصلاحیت شد، جشن پیروزی گرفته بودند و تلقی‌شان این بود که هیچ عملی نمی‌تواند این مسیر را تغییر دهد اما یک حرکت علامته‌ای و خردورانه جریان اصلاحات و کناره‌گیری اینارگرانه‌ای آقای عارف، عملا آمدن آقای روحانی به معنای نفی تمهیداتی بود که در آنها به کار گرفته‌ند. این غافلگیری الان در آنها وحشت ایجاد کرده است. هرچه به‌راه ایران را در اختیار دارند اما نگران غافلگیر شدن هستند که به‌شکلی اصلاح‌طلبان به‌نوعی حرکت کنند که همه مجلس آینده با اکثریت آن در اختیار اصلاح‌طلبان قرار گیرد.

❖ **شما به حضور گسترده اصلاح‌طلبان در مجلس آینده امیدوار هستید؟**

هنوز دوسال به انتخابات مجلس هم زمان مانده و من هنوز نمی‌توانم پیش‌بینی کنم اما فکر می‌کنم جریان اصولگرا خیلی دچار آشوب است که از آن وارد بحث انتخابات مجلس آینده شده است. اصولگرایان گرانی شدید دارند و بنابراین آقای باهنر و جریان ایشان از هم‌اکنون وارد انتخابات شده‌اند. در همین راستا هم جریان‌سازی رسانه‌ای می‌کنند. درواقع دغدغه درونی خود را نشان می‌دهند.

❖ **فکر نمی‌کنید به‌موازات فعالیت آنها اصلاح‌طلبان هم باید وارد بحث انتخابات مجلس آینده شوند؟**

اصلاح‌طلبان هم باید آماده شوند اما نباید عجله کنند. هنوز وقت زیاد است.

❖ **به نظر شما روندی که برای اجماع‌سازی بین اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری طی شد برای انتخابات مجلس هم قابل شکل‌گیری است؟ با توجه به اینکه آقای عارف به نظر می‌رسد فعالیت خود را جدا از سایرین آغاز کرده است.**

همه جریان‌ات ممکن است فعال شوند. اصلاح‌طلبان و اصولگرایان جبهه‌ای هستند که درون آنها جریان‌ات و تشکلات مختلف است. درون جبهه اصلاحات، احزاب و چهره‌هایی همچون آقای هاشمی، عارف و خاتمی است در جریان اصولگرا هم آقای مصباح‌یزدی، مهدوی‌کنی و محمد زیدی، جریان پایداری و تیم احمدی‌نژاد هم هستند. بالطبع ممکن است برخی بیشتر درباره انتخابات حرف بزنند. اینکه آقای عارف گفته برای انتخابات مجلس فعال می‌شوند، طبیعی است. انتخابات مجلس فعلی هم جریان‌ات سیاسی است و به وارد کار سیاسی شوند و باید وارد شوند اما اینکه ستاد تشکیل دهند و کار عملی انجام شود، زود است. من از اجماع اصلاح‌طلبان در انتخابات آینده مجلس ناامید نیستم. بعد از گذشت ۳۶سال از انقلاب و رقابت اصلاح‌طلب و اصولگرا، جریان‌ات به درک این واقعیت رسیده‌اند که در سایه کار جمعی می‌توانند موفق باشند و این موضوعی است که اصلاح‌طلبان البته بیشتر درک کرده‌اند. من امیدوارم در آینده هم به‌راحتی ائتلاف کنند. جناحی که آقای باهنر به آن وابسته است تنها روزنه امیدش این است که بین آقای روحانی و جریان حامی او اختلاف ایجاد شود. اینکه اصلاح‌طلبان در حال عبور از روحانی هستند درواقع لیدواری جناح اصولگراست که آقای باهنر مطرح کرده است. باهنر با این سخنان به‌نوعی فرار به جلو در پیش گرفته است.

ادامه از صفحه اول

«پرتو»، تصویربرداری درجه یک

تصویربرداری را باعث شده بود در این فیلم مبالغه‌ای احساس نشود. ما با هم در این فیلم همکاری بسیار دلنشینی داشتیم. متعقدم که تصویربردار خوب، همیای کارگردان در به‌نم‌رسیدن فیلم موثر است، چراکه او پیش از کارگردان تصویرها را قاب‌ها را شکل می‌دهد، بنابراین نقش موثر او در فیلمبرداری «روز واقعه» و سایر آثاری که کار کرده، انکارناپذیر است.او بی‌شک به‌گاه‌آثاری که از خودش باقی گذاشته، جایگاه تکنیکی در تاریخ سینمای ایران خواهد داشت. «پرتو»، همواره در یاد و خاطره سینماگران و سینمادوستان، زنده می‌ماند و یاد و خاطره او، فراموش‌نشدنی است. روحش شاد و یادش جاودانه‌بماند.

سوریه در دام خط‌قرمزهای ژنو»

فرانسه هم لابد برای اظهار وجود، حضور «بی‌ریط» خودش را خط سبز و حضور «باریط» ایران را احتمالا خطقرمز می‌داند. حالا این آدم‌های عاقل و بالغ می‌خواهند با عبور از این کلاف سردردگم خطقرمزها مساله را با مذاکره و مصالحه حل کنند! یعنی سر این خطقرمز را بگیر و بیا! این بهار فریبنده عربی، در سوریه از همه‌جا توردتر از آب درآمد. رژیم اسد دموکراتیک نبود، اما وضعیت اجتماعی سوریه هم توان و فرهنگ تحمل بر دموکراسی را نداشت. همه دیکتاتورهای عرب می‌گویند ما داریم زمینه فرهنگی لازم، مانند آموزش‌وپوروش و جوامع مدنی و شهری را فراهم می‌کنیم و درواقع مرحله پیش‌اندشگاهی دموکراسی هستیم! اما ضمن اینکه آن کارها را تا حدودی می‌کنند؛ از جای گرم‌ورزم و برج عاج قدرت هم خوششان می‌آید و به‌طور خانوادگی به آن معناد می‌شوند! تا جایی که سروسضای مردم درمی‌آید. آن‌وقت دور خودشان یک خطقرمز می‌کشند و می‌گویند هرچه می‌خواهی از پشت آن خط به‌بعد بخوا! این هم نمی‌شود. پارسال در جایی نوشتیم: «موضوع این است که مردم در این سرما زمستان دارند می‌سوزند و یخ می‌بینند! مردم از شهرهایی که به‌وسيله دشمن کوبیده و ویران می‌شود می‌گریزند و آواره و کارتن‌خواب می‌شوند! مهم نیست که آن بمب از هواپیمای این‌طرفی‌ها فرومی‌ریزد یا از خمپاره آن‌طرفی‌ها، هرکس فروریزد همان دشمنم است! دشمن که شاخ و دم ندارد! هرکس آنها را بکشد، فرزندان را بکشد، آواره و مستمند و عزادار کند دشمن است! دشمنی بس است. اکنون سوریه جوازات جنگ داخلی میان فرقه‌های گوناگون است که رجم ندارند! گروهی برای حفظ موقعیت و شاید جان و بنای خودشان به جان می‌کشند و می‌کشند و گروهی به قصد براندازی هر آن کس را که از خودشان نباشد می‌کشند و می‌سوزانند! و اکنون سلفیون و بعثیون بر مروجی از عراق و جاهای دیگر، با حمایت‌های امیران نفتی، همه طرف‌های دیگر را می‌کوبند تا از این آب گل‌آلود ماهی بگیرند! نظام سوریه برای اینکه باقی بماند ناچار است به صحنی مسلح تن دهد، زیرا در جامعه متکثر؛ کرد، ترک، ارمنی، آسوری، عربی، علوی، دروزی، سنی سستانی و سنی دجشدالوردو سلفی، وقتی کار به اینجا کشید، چاره‌ای جز صلح مسلح وجود ندارد! همچنان که در لبنان شد و هست. اکنون نقطه مشترک گروه‌های گوناگون بیم از سلفی‌گری است...». بیش از یکسال از آن یادداشت گذشته و مسایل خطقرمزهای خونین همان است که بود. بازی فرقه‌ای و شیعه‌کشی و انفجارها و ویرانگری در عراق و پاکستان گرفته تا ۱۱ سپتامبر نیویورک و واشنگتن و انفجارهای لندن و پاریس حتی حمایت از صدام در برابر ایران از آغاز، بازی عربستان» بوده است. اکنون در سوریه جماعت ۲۰درصدی علوی به‌علاوه شیعیان و مسیحیان آرامی که ضربه هولناکی از سلفیون خوردند، کردها، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آسوری‌ها و سنی‌های غیرسلفی و مدنی، با فرهنگ و تریق‌خواه بیمناکند! از آنچه معارضان خوش خیال مسلح‌شده به‌وسيله دیگران بر سرشان آورده‌اند نیز خسته و بیزارند! اکنون روز خطقرمزی بازی‌های انحصارطلبانه و خودخواهانه کسانی نیست که تعدد و تعارض میان خودشان نشانه بی‌اعتباری ملی آنان است! برای ایران هم به‌عنوان یک دولت بزرگ منطقه، بسیار مهم است که روابط متعارف و طبیعی با همسایگانش، از جمله با سوریه داشته باشد که بتواند در بازار بزرگ تر منطقه و به ساحل مدیترانه دستیابی دوستانه و لازم برای خطوط نفتی و بندری و روابط بازرگانی داشته باشد. بنابراین متعقدم که دولتی در آراش و با روابط منطقی و غیرخصمانه با عراق و ترکیه و ایران در آن کشور وجود داشته باشد که ارتباطات متمندانه اقتصادی و اجتماعی میان آنان را تسهیل کند. خطقرمزهای گوناگون فقط خصومت‌برانگیز و تهدیدکننده است. قاعدتا مذاکرات اصلی باید میان عراق و سوریه و ترکیه و ایران، با حضور کردها و ارامنه و سایر مسیحیان و دروزی‌ها و شیعیان و با حضور سازمان ملل و دو دولت بزرگ جهانی روسیه و آمریکا برگزار شود! راه‌حل باید با آتش‌بس و فراهم‌آوردن زمینه برای دولتی «لبنانی‌وار» با سهم‌پندى مشارکت در قدرت باشد. چنین دولتی ناچار است تا زمانی متکی به تعادلی مسلح باشد که امنیت و بقای علوی‌ها و برخی اقلیت‌های عمده را تضمین کند (مانند حزب‌الله در داخل لبنان).